

**خصلت سودا گوی طبا بسته میراث  
خصلتهای دولتهای ارتجاعی گذشته است  
بر صد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت هیگیود**

ما افرادی سالم باشند تا  
پتوانند نیمات مادی قابل استعمال تو لید گلند پس  
برای بیار آوردن یک چنین جامعه ای سالم نیرو مند،  
باید همکی با دولت خلقی خود صادرقاً نه همکاری کنیم طبایت را از خدمت اقليمیت  
محبد و دمخت خود او که زاده مناسبات کهنه نظام افیز دالی در کشور است، پدر  
آریم و در خدمت تو دهای زحمتکش میلیونی کام و جد ارزش های ما دی اند بکماریم باستی راه های سالم و  
مفید را چستجو کنیم تا دولت پیشتر بتواند در تحقق این آرمان سترگ تو فرقی باید.  
خلاصت سوادگری طبایت میراث خستها نه طبقاتی دولت های مستبد و اوتیجا عیی گذشته است باید بر فرد خصلت های اوتیجا عی و فرد خلقی مبارزه بیکری و اوصولی برآه اند آخته شود و تا سرحد نابودی آن ادا مه پیدا گند.  
باید بخاطر همیستگی کامل زحمتکشان و از میان بردن نایبرابری های اجتماعی که از طرف دشمنان خلق و استعمار گرانه هر ای سوار شدند بر گردند زحمتکشان و پیشگشی بی رحمانه فقط کار مو جد از زشن است و این کار و قتنی انجام گرفته میتواند که نیروی ای کار یعنی کارگر و دهقان ویشن و نام زحمتکشان

علیه این چنین طبیبان سودا  
گر و بول پرست مبارزه بی  
امان به راه افتاد؟ و آیا ناید  
این چنین اشخاص در محکمه  
خلق و تاریخ خلق رسوا و بد  
نام گردند.

این کار مطا بقیه اهداف  
انقلابی و قلیقه فرد فرد از  
فرزندان صدیق و الغلا بی  
کشور است که باید با سودا-  
گری های ضد اجتماعی در  
امور صحی سر سختانه مبارزه  
گنند.

من باید آنها را وا دار به  
انجام خدمات مجا نی طبی  
در محدوده تخصص و رشته  
شان فمود.

من باید و جدان خلقی را  
دورین عده اشخاص بیاندار  
گرد. باید به مردم فهمانند  
طبیبا نیکه از منافع شخصی  
شان بخاطر ساختنمان یک  
جامعة سالم و صحت مند و  
رفاه توده های و سیع  
زمتکش در میگذرند در واقع  
از درد خلق پا خبر بوده و بخاطر  
خلق زحمتکش ایثار و فداکاری  
مینما یند.

باید به مردم فهمانند که  
دولت خلقی شان جز آرا من  
وسعادت خلق دیگر هد فی  
ندارد. یکی از اقدامات  
مفید دیگر دولت خلقی ما  
برای فرا هم آورد نه هر چه  
بیشتر تسهیلات در ساحه  
عرضه خدمات صحی به خلق

محروم و رنجیده در سی  
خوانده و عدم فرا گرفته  
پاشد و امروز باز هم این  
اندوخته خود را با اشک و  
خون دل هموطنش بخواهد  
معاو شه کند و از خدمت  
مجا نی برای توده های  
رنجدیده پنهانی کندمیارزه  
شود.

آیا بجا نیست علیه طبیبی  
که بیش از دیدن جسم  
مریض یشمیش را به جیب  
مریض دوخته است و علیه  
طبیبی که زخم خاری را برای  
مریض بد بختش باصطلاح  
«زمخ ناسور» جلوه میدهد و  
آنرا چشمی پول و سودا گری  
طلبایت پسر ای خود می  
سازد و علیه طبیبی که از  
تشوشا نت رو حی مریش  
بعد میکن سوء استفاده  
بجزی ید و با خرا شیخین  
پوست بد ن مریض در اتفاق  
تاریک معاینه خانه اش (به  
عنوان عملیات) بول گرفت  
بدست آورد؛ یابر علیه  
طبیبی که از وار خطای بی به  
حاطر تحصیل بول سه چهار  
مریض را یکی بعد دیگری  
روی میزش میخوا باشد  
و سپس صرف نام های را  
روی نسخه تو شته شد کسی  
اش ثبت میکند و هیچ کدام  
از مریضا ناش را بدقت  
معاینه نمی کند، آیا نیا بد

موسس دین ایمن  
۷ میزان سال ۱۴۰۸ شمسی

رئیس موسسه و مدیر مسوو  
در محمد دفاکیش تلفون ۱۷۹۱۵  
معاون بی‌بی‌استانی

## استقبال از اعلامیه دولت خلقی ما

استقبال پر شبور خلق سرامیک کشور از اعلاء میه  
تاریخی من و پاک مسنبلاج چمپوری دموکرا تیک ماگواه  
روشنی از هبستگی صمیع الله و خل نایدیر خلق ما با دولت  
حلقی شان میباشد، تبارز احساسات وطنی  
پرسنا نه و بی آلایش گروههای وسیع کارگران،  
دهقانان، کارمندان و روزگران فکران جامعه ما جهت سهم  
گیری فعال و مستقیم آنان در تطبیق پیروز مندازی  
بر نامه های همراه و نوسازی و تحقق اهداف  
والای انقلاب کیبرو شکو حمله تود، این حقیقت را روشن  
میسازد که جمهوری دموکراتیک افغانستان دار  
اعماق تودها و در قلو بیزجتکشان این سر زمین  
جا دارد و پاییگاه های اجتماعی و خلقی آن نیرو مند استوار  
و خل نایدیر است.

اگر چه دشمنان انقلاب بودشمنان آزا دی میین برای  
آنکه موافقی در راه تکا هسل مریع انقلاب کبیر ثور به  
وجود آورد و باشند ، دست بهرگو نه تو طنه و دروغ باقی  
میز نند ، حتی از مداخله های مستقیم و بیشتر مانه در امور  
داخلی کشور ما خود داری نمیکنند ، اما با گذشت هر  
روز و با حضول هر پیر و زی تازه که در اثر با لیسمی  
علمای تنظیم شد و دو لست خلقی ما به رهبری حزب  
جمهوری اسلامی خلق افغانستان پدیدست می آید ، پرده از روی  
دسايس و تیر نگهای ارتباطی غیون و امیر یا لست

ها بر داشته شده در مقا ميل اعتماد و بيو نه خلق با  
جمهور ي دعوکرا تيک شان مستحکمتر ميگردد .  
اعلا ميه تا ريني سی و يكسيبله يكبار ديجر نشان  
داد که حالا هر تلاشی و مسامعی اي جهت رفاه خلق  
و خدمات به خلق صورت ميگيرد و هم برای ختنی ساختن  
توطنه هاي که از طر ف امير باليزم و ارجاع يکار  
برده ميشود ، دولت خلقي پسمن اعلام شما ر «مصلوئيت  
قانوئيت و عدالت ، همچنان عفو کامل و عام و تمام تما م  
آن هموطنان مارا که در ائردىسايس و تفني ارجاع  
و امير باليزم ازخانه هاي شان بيجای شده اند اعلام نمود .  
چنانچه يافو جه يه اين مطلب در قسمتی از اعلا ميه جمهوري  
دعا کر اتيک افغا نستان چينين ذكر رفته است :

«حفظ الله امين منشى عمو هي كميته هركزى حزب  
دعا کرا تيک خلق الفا نستان زنیس سوراي الله لا يسى و  
لوهي و ذري تمام همچ و وطن يريستا نى را که بالقلب  
سر شار از عشق بو طن محبوب و فاذگا ه بير افتخار  
مکوند يه خانه هاي شان بر مي گرددند و يه آبا دى و شنكوفانى  
وقلن خود استغفال بیور زندگان عفو عام و تمام قسر از  
داشه اند ...»

استناداً و میرود و طبق پرستائیکه ازین عفو عام و نام  
استناده میگذرد و با غزو رعایت انسانی به خانه های  
خود بر میگردند به عملی شدن شعار مصوب نیست  
قالو نیست و عدالت اطمینان کا هل ذاته بالشند و با  
قوای مسلح فهرمان و خلق را جنحتکش خود در نیست و  
نایاب گردند و شهستان انقلاب انتخابات بزرگ بدست

نظری به ارزش های عالی انسانی اعلان میه جمهوری  
جمهوری کرا تیک ما این واقعیتدا می نمایاند که دو لست  
خلقی الفانستان از هر اینگان و فر صنی استفاده  
میگند تا خلق ما مر فساد و سعادتمند باشند و مفاسد  
خواهان دستمکاران، ارتقای اعیان و امیری بالیز م دیگر تنها نندبه  
پفع خود و به زیان خلقت حستکش این میوهان رو حبه  
عدم اطمینان را در پیش خلق ایجاد کرده، با علت  
ناکاره می ذستکشان وطنها م گردند. اعلام این موضوع  
که بعد از این میجکسی پیروز آغاز شانو ن تحت تعقیب  
قرار نخواهد گرفت زندگانی خواهد شد و مصروف نیست و  
عدالت اجتماعی به منظور تضمین زندگی آزادی و رحما دست  
خلق میوهان ما کاملا مر همی الا جرا خواهد بسورد، در  
حقیقت اطمینان خلق را خلقت حستکی خود را با آنها  
بیرون نه ایشانرا با دو لست خلقی مستوفی مستحبکم و با یه  
دار میساند و میوهان مناسبت است که در سراسر کشور  
ازین اعلان میه استقبال بی نظری و بر شور بعمل آمد و  
 تمام هوطنان ما همیستکی خود را با حضوری  
جمهوری کرا خویش در جهت تطبیق اهداف و الای انتقام  
کبیر نور و در جهت تطبیق شعار مصو و نیت،قا نویت  
و عدالت صادقا نه و خلخل نایذیر اظهار داشته اند.

یک جاسوس انگلیس، یک فرنگی پوست و انگلیس  
مشرب د رجنگ دوم افغانستان و انگلیس

قبلی پدر پار امیر شیر علی  
توصیل چسبت و به زو دی و به  
آسائی و سیور لت تمام در  
چمله اهل در پار پذیر فته  
شد . قاضی زبان در دی ،  
پشتون ، پنجاب و انگلیس  
را میدانست . مرد خطیب  
و نویسنده بود ، در انتشار  
جزیده ( شمس النبار )  
و تحریر مقالات و مواعظ

دورة این پادشاه برابی خنثی  
اهن بیار آورد، فقر و نارامی  
نمای و بالاخره لکه ننگیشی  
بر دامان شان گذاشت  
یک حصه خاک  
استان را از پیکر آن جدا  
د. این چهره مرمر و  
کر صفت انگلیس، فاضی  
لقدر پشناوری و فرموده  
فاضی قدر است و به  
کلان در مذکورات با حکام  
قاضی یدون کدام سایقی

و مزدوران و ازبین رفتن  
عناف مفت خواران و دشمنان

نامه‌های شما

وزنامه انس - مطبوعه دولتی - انصاری وات - کابل

امر است ، بناء غير متز�  
نیست اگر عناصر ضروری  
انقلابی که از لحاظ ابسطگی  
طبقاً تی به طبقات استثنام ر  
گر تعلق میکند ، با مقاومت  
بیش از پیش و با عناد  
لجو جانه علیه انقلاب کبیر و  
دورانساز نور عمل میکند ،  
این مر تعجین و بد خواهان  
خلق که عن صه را با پیروزی  
انقلاب کبیر نور و آزمیان  
رفتن منافع شان بر خوبیش  
تلگ دیده و بد من ارتقا  
و امیر بالیز مینا هنده شد  
فائد ، از آنجا ها از حجر  
فیض بالیز م و از سجا  
مدبوحه اند فریاد میکشند و  
گریه میکنند ، گریه به  
خطای استقرار نظام کارگران  
له هرگز تو سه و هفتاد

برست امضا ده است و نهاده  
ارضی و استقلال ملی  
افغانستان را به انگلیس ها  
و با داران خود به حیث یک  
نو کر سر سپرد و مو دا  
کرد . بعد از معا هده مثلث  
لا هور ، زنده و مردۀ این  
فرنگی سلطان نما ، این  
این قاضی شیطان صفت  
معلوم نشد . خلف الصدق  
این قاضی غلام قادر ، یکی از  
درباریان سردار سلطان  
محمد خان والی پشا و دبود  
که به تر بیت و تعلیم  
وسو هانگاری فرزندان و  
خانواده این غدار انگلیس  
برست سعی تمام بخیر ج  
داد . پسران قاضی مذکور  
قاضی محمد خان و قاضی  
نصرالله در هومند خد جاتی  
که به انگلیس ها نبودند ،  
تمسا دریق خدمت و کسار  
گزاری از انگلیس به مدت  
آوردند از شاخه های این  
بر قسم خان مشهور داد و  
مه حسن نام داشت که در  
ضوع لعل یور « دهنۀ  
گی خیر با سر الکزا له ر  
تبس ملاقات کرد و به  
اققه سری و مکتوه  
سیدند همین شخص بعد ا  
در بار شاه شجاع  
الی به عنوان ( خان -  
لما ) مقام و منزلتی یافت  
نه محمد حسن یسر  
نه محمد اکبر معروف  
( خان علوم ثانی ) و وی  
سر محمد غوث ملقب  
( خان علوم ) بود ( محله  
در شهر قدیم گا بل بنام  
نظام ناحال هرجوز است ) قاضی  
کور از افغا نان پشا و رو  
شاخه یوسف زا یسی  
شنبه ای از اهان زا یی از  
یاتین دو لوت زا یی من باشد  
قاضی محمد حسین  
نصری از خاندان خود به  
بر قسم خان مشهور داد و

